

### علی احمدی فراهانی

۳۵سال پیش در چنین روزهایی، جراید کشور، به ویژه آنان که در عداد ناراضیان به شمار می‌رفتند، به بزرگ‌نمایی آنچه «افشای طرح توطئه ترور آیت‌الله‌العظمی سیدکاظم شرعیتمداری ازسوی رژیم مارکسیستی افغانستان» نامیده بودند، پرداختند. همین جراید در روزهای بعد پوشش‌دهی به «موجی از انزجار که از رژیم مارکسیستی افغانستان در میان مردم ایران و مغازه‌ها و برگزاری راهپیمایی‌های اعتراضی در شهر تبریز منجر شد» را در اولویت خود قرار دادند. به طور مشخص، این خط‌دهی خبری در دو روزنامه «اطلاعات» و «کیهان» به شکلی بارز پیگیری می‌شد که اولی هنوز تحت نفوذ توده‌ای‌ها بود و دومی نیز، از وابستگان به حزب خلق مسلمان تهی نبود. این فضاسازی تبلیغی و مطبوعاتی در شرایطی صورت می‌گرفت، که آقای شرعیتمداری با سامان‌دهی حزب موسوم به «حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان» و رودرویی ضمنی با جریان امام، به شدت نیازمند مظلوم‌نمایی و تحریک فضای عمومی کشور به نفع خویش بود و در این راه از کوچک‌ترین موضوع یا بهانه‌ای، استفاده می‌کرد. صرف‌نظر از صحت یا عدم صحت خبر ترور آقای شرعیتمداری و ساخته و پرداخته شدن تصمیم آن در افغانستان، موج‌سازی درباره این خبر را می‌توان از جمله مصادیق تلاش برای در اختیار گرفتن افکار عمومی دانست که در سال ۵۸، شدت مطمح نظر وی و اطر افیانش بود. این مقال به باز خوانی و تحلیل اخبار رسمی منتشر شده در این‌باره، از سوی اطرافیان آقای شرعیتمداری می‌پردازد، امید آنکه مصلحت‌طلبان افند.

### محمد تره‌کی طراح ترورا

یکی از ویژگی‌های این موج‌سازی خبری، عدم ارائه مستندات روشن درباره آن و بسنده کردن به کلی‌گویی بود. به عبارت دیگر به نظر می‌رسید، درباره این مقوله، جز ایجاد فضای تبلیغی به نفع شخص آقای شرعیتمداری، چیز دیگری مدنظر ساماندهندگان این جریان خبری نیست. این امر هنگامی به وضوح رخ نمود که اولاً: درباره افشاش این طرح، جز در همان چند روز آغازین اعلام آن، خبر و سندی نشر نیافت و ثانیاً: در همان روزهای آغازین فضاسازی خبری از سوی سخنگوی آقای شرعیتمداری، صرفاً به کلی‌گویی اکتفا گشت و هیچ رد روشنی از عاملان و آمران آن به اطلاع ترور، ارائه نگردید. این مسئله هنگامی اهمیت مضاعف می‌یافت که درباره آن، هیچ‌یک از نهادهای امنیتی و انتظامی کشور نیز به اظهار نظر دقیق نپرداختند و اطلاع‌رسانی درباره آن منحصر به اطرافیان و یادی شخص آقای شرعیتمداری نگشت. سخنگوی آقای شرعیتمداری، برای آغازین بار در جمع نمایندگان رسانه‌ها، اینگونه به اعلام و طرح موضوع پرداخت: «سخنگوی آیت‌الله‌العظمی شرعیتمداری پس از افشای طرح این ترور، ضمن تأیید آن، جزئیاتی از این ماجرا را به اطلاع رسانه‌ها رساند. او با بیان اینکه توطئه ترور آیت‌الله از حدود یک ماه قبیل در کابل پایتخت افغانستان طرح‌ریزی شده بود، گفت: بعداً روشن شد که محمد تره‌کی چند روز پیش از سرنگونی خود و روی کار آمدن حفیظ‌الله امین، نقشه ترور حضرت آیت‌الله را طرح کرده و برای اجرای این منظور خاتخانه خود، چند نفر از اتباع افغانستان را به ایران، گسیل داشته است. سخنگوی آیت‌الله افزود: چند تن از کسانی که برای انجام این مأموریت غیراسلامی و غیرانسانی از سوی رهبران رژیم افغانستان به ایران اعزام شده بودند در مرز ایران و افغانستان دستگیر شدند و یکی از آن‌ها که به وسایلهای همراه او چند تن از همدستانش، توانسته بود خود را به قم برساند تا در فرصتی مناسب، به نقشه شیطانی خود جامه عمل بپوشاند، چند روز پیش به دام افتاد. مردی که در قم دستگیر شده است در بازجویی‌های مقدماتی اعتراف کرد که از سوی رژیم افغانستان برای ترور حضرت آیت‌الله‌العظمی شرعیتمداری، مأموریت داشته است.»

### ادعای کشف توطئه توسط شهربانی و ادرعی

ژاندارمری سخنگوی آقای شرعیتمداری در ادامه ادعاهای خویش، کشف این ترور را به نهادهایی چون وزارت امور خارجه، شهربانی کل و ژاندارمری کل جمهوری اسلامی ایران منتسب می‌کند، امری که هیچگاه بعدها به گونه مستند از سوی نهادهای مزبور مورد تأیید قرار نگرفت. این در شرایطی بود که در آن مقطع، امکان نفوذ همه افراد، از تمامی گرایش‌ها به نهادهای دولتی و امنیتی وجود داشت و طبعاً این طیف برای آوردن شاهد از نیروهای داخل در این نهادها، مشکلی نداشتند، از این گذشته دولت موقت و ایواب جمعی آن از علاقه‌مندان به آقای شرعیتمداری بودند و می‌توانستند با وی، ساز موافق کوک کنند. با این همه ادعای سخنگوی آقای شرعیتمداری، از سوی هیچ نهاد رسمی، مورد تأیید قرار نگرفت و مستند نشد:

«سخنگوی آیت‌الله شرعیتمداری ادامه داد: وزارت امور خارجه، شهربانی کل و ژاندارمری کل جمهوری اسلامی ایران از چندی پیش از طرح این توطئه خاتخانه توسط کارگزاران رژیم افغانستان آگاه شده بودند و بدین جهت حضرت آیت‌الله‌العظمی شرعیتمداری را کاملاًدر جریان قرار داده بودند. در گزارش‌ها که به وسیله وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، شهربانی و ژاندارمری کل تقدیم آیت‌الله شد، تأکید شده بود چند افغانی که در رابطه با این موضوع دستگیر شده‌اند نزد مأموران ایرانی اعتراف کرده‌اند که برای ترور معظله از طرف رهبران رژیم افغانستان مأموریت ویژه داشته‌اند. او با بیان اینکه از زمانی که توطئه ترور از نسوی مقامات به اطلاع ما رسیده است، اقدامات لازم و احتیاطی و امنیتی لازم برای حفظ جان آیت‌الله‌العظمی شرعیتمداری به عمل



کنمایی از گفت‌وشنوده‌های رسانه‌ای آیت‌الله شرعیتمداری در سال ۱۳۵۸

## مروری بر فضاسازی رسانه‌ای درباره ترور آقای شرعیتمداری در پاییز ۱۳۵۸

# ترور موهوم!

## سناریوسازی برای یک ترور موهوم!

در ادامه کنفرانس خبری سخنگوی آقای شرعیتمداری، وی دلیل تصمیم مقامات افغانستان به ترور آقای شرعیتمداری را، واکنش‌های اعتراضی وی نسبت به رفتارهای رژیم کمونیستی این کشور نسبت به مسلمانان عنوان کرد و البته افزود که ایشان در افغانستان، پیروان زیادی دارند(۱):

«سخنگوی آیت‌الله‌العظمی شرعیتمداری افزود: اقدام رژیم افغانستان برای طرح‌ریزی این توطئه بی‌ارتباط با اعلامیه‌ها و مصاحبه‌هایی که ایشان به طر فدراری از خلق مسلمان افغانستان داشته‌اند نیست. به ویژه اینکه ایشان در کشور مسلمان افغانستان دارای پیروان زیادی هستند و نمایندگانی نیز در آن کشور دارند که به تبلیغ و تعلیم اهداف مقدسه دین مبین اسلام مشغولند. اشاره سخنگوی آیت‌الله به اعتراضات وی نسبت به کشتار مردم افغانستان توسط حکومت کمونیستی بازمی‌گردد. پس وی از روی کار آمدن رژیم مارکسیستی به رهبری محمد تره‌کی در افغانستان که با مخالفت شدید مردم مسلمان این کشور روبه‌رو بود و به کشته شدن هزاران تن از معترضان انجامید، برآی با صدور اعلامیه‌هایی، کشتار مردم مسلمان را محکوم کرده و از رهبران افغانستان خواسته بود: به تقاضاهای مشروع، اسلامی و انسانی خواهران و برادران مسلمان در آن کشور توجه شود.» روزنامه کیهان در گزارشی که به افشای این طرح اختصاص داشت، نوشت: نکته قابل توجه این مسئله، این است که با وجود برکناری محمد تره‌کی در افغانستان و روی کار آمدن حفیظ‌الله امین، تغییری در سیاست بنیادی آن کشور روی ندهاده است. بدین معنا که توطئه ترور آیت‌الله‌العظمی شرعیتمداری در زمان اقتدار محمد تره‌کی طرح‌ریزی شده بود و با اینکه تره‌کی از کار برکنار و به روایتی کشته شده است، اجرای این طرح متوقف نشده بود و کسانی که برای انجام این توطئه مأموریت داشتند به کار خود ادامه دادند و گزارش موقت حاکی است که یکی از کسانی که برای اجرای توطئه مأموریت داشته، چند روز پیش در قم دستگیر شده است.»

گفته‌های سخنگوی آقای شرعیتمداری اما، بس بعید و باورناپذیر می‌نمود. چه اینکه اولاً: اعتراض به رفتارهای خشن کمونیست‌های این کشور، منحصر به شخص آقای شرعیتمداری نبوده، بلکه تمامی مراجع تقلید وقت نسبت بدان اعتراضاتی داشته‌اند، اما چگونه دولت افغانستان در میان معترضین، تنها شخص آقای شرعیتمداری را برای ترور انتخاب کرده است؟ دو دیگر اینکه بسیاری از مراجع دیگر نیز، در افغانستان مقلدینی داشته‌اند، بلکه مقلدان ایشان، بس بیشتر از

مقلدان آقای شرعیتمداری بوده و طبعاً قدرت عمل آنان نیز، به همان نسبت در برابر رژیم کمونیستی افغانستان، نسبت به شرعیتمداری افزون بوده است – چراکه معمولاً شیعیان افغانستان برای تقلید، بیشتر چشم به نجف دارند تا قم – اما اینکه در این میان، چرا قرعه ترور به نام آقای شرعیتمداری اصابت می‌کند؟

سوآلی است بی‌پاسخ!

**ورود آقای شرعیتمداری برای مدد‌رسانی به موج تبلیغی اطرافیان**
همانگونه که اشارت رفت، نهادهای رسمی کشور، به هنگام اعلام طرح ترور آقای شرعیتمداری، در این باره خالی‌الدهن بودند و طبیعی بود که نمی‌توانستند در این باره اظهار نظر دقیقی داشته باشند. این اما، امری نبود که در تحلیل و برنام‌ریزی طراحان این موج خبری، مغفول بماند. آنان به همین دلیل چاره را در این دیدند تا خود آقای شرعیتمداری را وارد صحنه سازند و از او برای تأیید ترور خود، گواهی بگیرند! دو روز پس از مصاحبه آقای سخنگو، آقای شرعیتمداری در گفت‌وگو با روزنامه کیهان، با تشریح موج‌خود نسبت به دولت افغانستان و تکزبید کمک مالی به مخالفان آن، نکات تازه‌ای از ماجرای طراحی برای ترور خود را مطرح کرد. او کمک مالی خود به شورشیان مسلمان افغانستان را که برای برقراری حکومت جمهوری اسلامی با رژیم آن کشور می‌جنگند به شدت تکزبید کرد و گفت که اعلامیه‌ها و مصاحبه‌هایش دربرابر حوادث افغانستان، صرفاً جنبه ارشاد و نصیحت داشته و این به معنای دخالت در امور داخلی کشور دیگر نیست. شرعیتمداری درباره دلایل حمایت از مخالفان دولت افغانستان گفت: پس از اینکه رژیم تازه افغانستان روی کار آمد و جنگ دولت با ملت شروع شد، عده‌ای اتباع افغانستان از جمله علما و روحانیون آن کشور که به ایران فراری شده بودند نزد ما آمدند و قضایای آنجا را نقل کردند و این در زمانی بود که جزئیات و علل بر خورد ملت و دولت افغان برای مردم کشور ما، هنوز به خوبی روشن نشده بود. ما بعضی از علمای افغانستان را که به ایران آمده بودند از سابق می‌شناختیم و گروه دیگری از آنها، توسط نمایندگان‌کی که در کابل داریم معرفی شده بودند. شرعیتمداری اضافه کرد: یکی از علمای تراز اول شیعیان افغانستان که نماینده ما در آن کشور است توسط عمال رژیم افغانستان دستگیر شده و هم‌اکنون در زندان کابل به سر می‌برد. خلاصه آن روزها ما تقاضا شد تا اعلامیه‌های صادر کنیم و دولت افغانستان را نصیحت‌نماییم که با ملت خود، با صلح و مفا و دوستی رفتار کند. ما هم این کار را در اسفندماه سال گذشته کردیم. این اعلامیه به افغانستان رسید و تمام علمای آن کشور اعم از شیعه و سنی از آن استقبال کردند، اما با کمال تعجب به ما خیرر دادند که محمد تره‌کی مت اعلامیه را از رادیو کابل پخش و آن را رد کرده و

# تاریخ

کتب و کور ۸۸۴۹۸۴۳۸



حتی عده معدودی را به تظاهرات علیه ما واداشته است! وی افزود: «نصیحت علما و روحانیون، منحصر به افغانستان نیست. ما بارها درباره وقایع کشورهای دیگر از جمله فلستین، فیلیپین و آرژتیه که ملت آنها، مظلوم واقع شده‌اند نصیحت‌هایی کرده‌ایم. ولی تعجب ما از این است که حکومت تره‌کی، بین مداخله و قوت‌نیز به نام آقای شرعیتمداری اصابت می‌کند؟ سوآلی است بی‌پاسخ!

همانگونه که اشارت رفت، نهادهای رسمی کشور، به هنگام اعلام طرح ترور آقای شرعیتمداری، در این باره خالی‌الدهن بودند و طبیعی بود که نمی‌توانستند در این باره اظهار نظر دقیقی داشته باشند. این اما، امری نبود که در تحلیل و برنام‌ریزی طراحان این موج خبری، مغفول بماند. آنان به همین دلیل چاره را در این دیدند تا خود آقای شرعیتمداری را وارد صحنه سازند و از او برای تأیید ترور خود، گواهی بگیرند! دو روز پس از مصاحبه آقای سخنگو، آقای شرعیتمداری در گفت‌وگو با روزنامه کیهان، با تشریح موج‌خود نسبت به دولت افغانستان و تکزبید کمک مالی به مخالفان آن، نکات تازه‌ای از ماجرای طراحی برای ترور خود را مطرح کرد. او کمک مالی خود به شورشیان مسلمان افغانستان را که برای برقراری حکومت جمهوری اسلامی با رژیم آن کشور می‌جنگند به شدت تکزبید کرد و گفت که اعلامیه‌ها و مصاحبه‌هایش دربرابر حوادث افغانستان، صرفاً جنبه ارشاد و نصیحت داشته و این به معنای دخالت در امور داخلی کشور دیگر نیست. شرعیتمداری درباره دلایل حمایت از مخالفان دولت افغانستان گفت: پس از اینکه رژیم تازه افغانستان روی کار آمد و جنگ دولت با ملت شروع شد، عده‌ای اتباع افغانستان از جمله علما و روحانیون آن کشور که به ایران فراری شده بودند نزد ما آمدند و قضایای آنجا را نقل کردند و این در زمانی بود که جزئیات و علل بر خورد ملت و دولت افغان برای مردم کشور ما، هنوز به خوبی روشن نشده بود. ما بعضی از علمای افغانستان را که به ایران آمده بودند از سابق می‌شناختیم و گروه دیگری از آنها، توسط نمایندگان‌کی که در کابل داریم معرفی شده بودند. شرعیتمداری اضافه کرد: یکی از علمای تراز اول شیعیان افغانستان که نماینده ما در آن کشور است توسط عمال رژیم افغانستان دستگیر شده و هم‌اکنون در زندان کابل به سر می‌برد. خلاصه آن روزها ما تقاضا شد تا اعلامیه‌های صادر کنیم و دولت افغانستان را نصیحت‌نماییم که با ملت خود، با صلح و مفا و دوستی رفتار کند. ما هم این کار را در اسفندماه سال گذشته کردیم. این اعلامیه به افغانستان رسید و تمام علمای آن کشور اعم از شیعه و سنی از آن استقبال کردند، اما با کمال تعجب به ما خیرر دادند که محمد تره‌کی مت اعلامیه را از رادیو کابل پخش و آن را رد کرده و

### روایت شرعیتمدار از ترور خود!

تااین بخش از گفت‌وشنود آقای شرعیتمداری با روزنامه کیهان، چیزی جز کلی‌گویی از روزنامه‌های مطالب بیان شده، مواردی است که تمامی مراجع معترض به متقال کمونیست‌ها علیه مسلمانان، می‌توانستند اظهار کنند. آقای شرعیتمداری از پشخی از جتجوویان مسلمان افغانستان بدهید تا ترور خویش می‌پردازد که البته چیزی بیش از پیش گفته‌های آقای سخنگو نیست و گرهی از ایهامات موضوع نمی‌گشاید. وی در این گفت‌و گو اشاره کرد: «در ماه مبارک رمضان که به مشهد بودیم، یکی از روزنامه‌های معروف افغانستان به نام «پنس» به دست ما رسید. در این روزنامه از قول ما نامه‌ای جعل شده بود و امضا که هیچ شباهتی به مهر و امضای ما نداشت. این نامه معجول، این بود که ما به دو سه نفر از بازرگانان و متمولین افغانستان نوشته‌ایم: «حدود ۸۰ هزار تومان پولی که برای ما فرستاده‌اید رسید، بقیه آن را هم به جتجوویان مسلمان افغانستان بدهید تا شرعیتمداری آن کشور مبارزه کنند!» در حالی که ما صولاً چنین نامه‌ای ننوشته بودیم و همانطور که گفتیم جعلی بود! بعد از اینکه از مشهد حرکت کردیم فرمانده ژاندارمری مشهد به منزل ما تلفن کرد و اطلاع داد که از طرف رژیم افغانستان، توطئه‌ای در شرف تکوین بود و قرار بود که این طرح توسط چند تبعه افغانی چند روز بعد به مرحله اجرا در آید. سپس گزارشی از شهربانی تهران رسید حاکی از آنکه ۴ تا ۶ نفر افغانی مأمور ترور شده‌اند که یکی از آنها به دام افتاده است!»

### ختام گفتار

همانگونه که اشارت رفت، ادعای اطرافیان و یادی آقای شرعیتمداری، به تنها به هیچ سند یا اظهار نظری از مسئولان وقت مستند نگشت، که پس از مدتی در اقواه رسانه‌ها فراموش شد! این خبرسازی تبلیغی را می‌توان در سلسله وقایعی آریزایی کرد که در صد سالهبرسازی از شخص آقای شرعیتمداری و فضاسازی به نفع وی بود. فرآیندی که در گام‌های بعدی خود، به رفتارهای جدایی‌طلبانه و آشوب‌های حزب خلق مسلمان در تبریز و قم انجامید که باز کاوی آن، محالی دیگر می‌تولبد.

■ منبع: آ. شیو روزنامه کیهان، مهرماه ۱۳۵۸



سید خاتانی، کبر ترور آقای شرعیتمداری در مشهد توسط خلق مسلمان در کنار آقای شیخ

## نگارخانه

**اشاراتی به بهانه انتشار اثر پژوهشی**

**«زندگی و شعر ملک‌الشعراء بهار»**

## شعر و ادبیات «برای میهن»

شاعر بزرگ معاصر در یکم اردیبهشت ۱۳۳۰

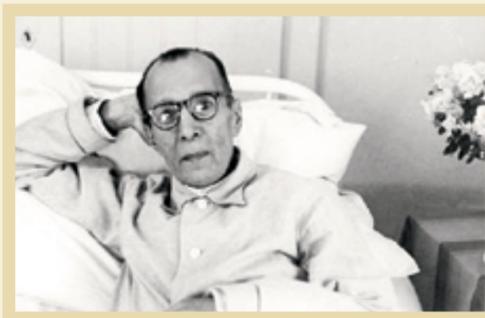
به ادبیت بوست.

بهار در تاریخ شعر ایران چه مقامی دارد؟ پاسخ به این پرسش با توجه به نقش مهمی که وی در مقطع شگفت‌آور و حساسی از تاریخ معاصر ایران با سروده‌هایش ایفا کرد، چندان دشوار نیست. بهار شاعر بزرگی است. استعداد ویژه او در بیان مسائل روز و آرمان‌های میهنی آن هم با سلاست و توانایی که از روانی یک ذهن ادیبانه قدرتمند سرچشمه می‌گیرد، ذهنی که از آبخشور ادب کهن سیراب شده بود و با آن تماس عاشقانه برقرار کرده بسیار بود. بسیاری از صاحب‌نظران، پژوهشگران و اهل ادب اعتقاد دارند بهار آخرین شاعر مهم دوران کلاسیک – بهتر و دقیق‌تر شکل کهن شعر – فارسی است. مؤلف این کتاب نیز بر این اعتقاد است. بهار شاعری بود که توانایی‌های عظیم و وسیع زبان و ادب فارسی را با قدرت و تسلط به کار گرفت و شعر فارسی را که در اواخر دوره قاجار به با واپسین ده‌ها و بازدم‌های مکتب بازگشت حالت نزار و بیمارگونه‌ای یافته بود به شعر هیجان، شکوه و توفندگی تبدیل ساخت. البته سهم دیگر شاعران مشروطه را نادیده نمی‌گیریم.

میدان هنرنمایی بهار همچنان که دیگران نیز اشاره کرده‌اند در قصیده‌پرداز ی بود و تلاشی که وی برای وارد کردن مفاهیم و مضامین

## بهار

**بهار شاعر بزرگی است. استعداد ویژه او در بیان مسائل روز و آرمان‌های میهنی آن هم با سلاست و توانایی که از روانی یک ذهن ادیبانه قدرتمند سرچشمه می‌گیرد، ذهنی که از آبخشور ادب کهن سیراب شده بود و با آن تماس عاشقانه برقرار کرده بسیار بود**



ملک‌الشعرا بهار در بستر بیماری در واپسین فصل حیات

به دست مشروطه‌خواهان به پایتخت منتقل شد و شاعر را در صف نخست شاعران مبارز راه آزادی و استقلال میهن قرار داد. از همین‌رو بود که هم‌هنگام با آغازیر از تحمل زندان‌ها شد و هم تبعیدها و مهاجرت‌هایی را از سر گذرآیند. این سختی‌ها و رنج‌ها با شروع حکومت پهلوی اول هم ادامه یافت. بهار از جمله نمایندگان اقلیت مجلس چهارم در زمره مخالفان جدی ریاست جمهوری، حکومت و سلطنت رضاشاه بود. تانان این مخالفت را او-اگر نه مانندسید حسن مدرس باقتل فجیع در روستایی درازفادان در خواف مشهد، دست‌کم با انزوا، زندان و تبعید برداخت. او ناگزیر از سروردن سرهایی برای شاه نو دولت هم شد.

بهار دل‌شکسته و نازک‌طبع سرانجام به صف استادان دانشگاه تهران وارد شد و در کنار شعر گویی به تدریس و تحقیق در ادب فارسی پرداخت. سبک‌شناسی نثر فارسی را در سه جلد تألیف کرد که پس از گذشت بیش از نیم قرن هنوز تنها اثر معتبر در این زمینه محسوب می‌شود. در باره ادب فارسی و متون کهن مقاله‌ها، یادداشت‌ها و نوشته‌های فراوانی تحریر کرد و به پژوهش و تصحیح کتاب‌های تاریخی و ادبی قدیم پرداخت.

ملک‌الشعرا مرد آزادمشنی بود که به میهن خویش عشق می‌ورزید و از سنت‌های اصیل و هویت ملی دفاع می‌کرد. او که همواره نگران سرنوشت ایران بود و چند دوره به‌ه وکالت مجلس شورای ملی رسیده بود، در واپسین سال‌های عمر باز با سیاست -وزارت فرهنگ کابینه قوام‌السلطنه – کشیده شد، اما دیگر تن رنجور و روح خسته وی توانایی کشیدن بار فضای هیجان‌بار و شگفت‌آور پس از شهر یور ۲۰ را نداشت. خاصه این‌که بیماری کهنه سل –ریوی و استخوانی – اندک‌اندک وجودش را در نور دیده بود. برای درمان خود را به سوئیس کشانید و تن رنجورش را به عیسی دمان فرنگ سپرد، اما معالجات سوده‌مند نیفتاد و وجود این